

- سرنشانه : احمدی، فاطمه، ۱۳۴۳ -
- عنوان قرارداد : شرح نهج البلاغه . برگزیده
- عنوان و نام پدیدآور : فرهنگ نامه موضوعی صدق در نهج البلاغه / فاطمه احمدی . مجتبی مدرسه علمیه حضرت خدیجه (علیه السلام).
- مشخصات نشر : تهران : سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، ۱۳۹۷.
- مشخصات ظاهری : ۳۵۸ ص. ۲۱/۵×۱۲/۵ م.
- شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۲-۵۶۴-۵
- وضعیت فهرست نویسی : قیفا
- موضوع : علی بن ابی طالب ؑ، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق - احادیث
- موضوع : *Hadiths -- Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661
- موضوع : علی بن ابی طالب ؑ، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق . نهج البلاغه - حقیقت
- موضوع : Truth -- Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghah
- موضوع : حقیقت - جنبه های مذهبی - اسلام
- موضوع : Truth -- Religious aspects -- Islam
- شناسه افزوده : علی بن ابی طالب ؑ، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق . نهج البلاغه . برگزیده
- شناسه افزوده : Ali ibn Abi-talib, Imam I. Nahjol - Balaghah. Selections
- شناسه افزوده : سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه
- رده بندی کنگره : ۴۱۳۹۷ ق ۳ الف / ۱۵ / ۲۱۶ BP
- رده بندی دیوبندی : ۲۹۷ / ۴۶۸
- شماره کتابشناسی ملی : ۵۱۹۵۱۵۲

فرهنگنامه
موضوعی

فاطمه احمدی

بাহمکاری مدرسه علمیہ
حضرت خدیجہ علیہا السلام





شرکت چاپ و نشرات آسوه

خرهنگ‌نامه موضوعی صدق در نهج البلاغه

فاطمه احمدی / محترمی مدرس علمیه حضرت خدیجه

ناشر: انتشارات اسوه

طراح گرافیک: حسن مختاری (ح)

لیتوگرافی، چاپ و صفافی: چاپخانه بزرگ قرآن

(۱۴-۳۶۶۴۴۲۱۱-۰۲۵)

نوبت چاپ: اول: بهار ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بها: ۲۵۰۰۰ تومان

فروشگاه و نمایشگاه دائمی

• فروشگاه شماره ۱: تهران، خیابان انقلاب، ابتدای پل کالج، رویروی خیابان خارک، پلاک ۷۸۷

تلفن: ۶۶۴۱۸۰۹۹ و ۶۶۴۰۱۷۴۷ / نمابر: ۶۶۴۱۸۰۲۲

• فروشگاه شماره ۲: قم، خیابان ارم، مقابل پاساژ قدس

تلفن: ۳۷۷۴۱۲۸۲ / نمابر: ۳۷۷۳۷۶۶۰

• فروشگاه شماره ۳: قم، بلوار معلم، مجتمع ناشران، پلاک ۳۰

تلفن: ۳۷۸۴۱۷۲۱-۲۳

تقدیم بہ

آیت کبرای «لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ»

مظہر تام «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ»

اسب لوای «سَلَوْنِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي»

سلطان سب «يَتَحَدَّرُ عَنَّا السَّيْلُ وَلَا يَلْقَى إِلَى الظَّمِ»

امیر مؤمنان علیہ آلاف التحية والثناء السلام

فهرست مطالب

۴۵	صدق در ایمان	۱۳	مقدمه
۴۶	صدق در پیروی	۱۴	نهج البلاغه و جاذبه‌ها
۵۰	صدق در تعلیم و تربیت	۱۶	جایگاه صدق در قرآن و روایات
۵۱	صدق در جهاد	۱۹	صدق در نهج البلاغه
۵۲	صدق در امور	۲۱	فرهنگنامه صدق در نهج البلاغه
۵۴	صدق در داوری		
۵۵	صدق در دوستی		مصادیق صدق
۵۶	صدق در سؤال	۲۷	اخلاص
۵۷	صدق در شهادت	۳۰	اقرار به حق
۵۷	صدق در گفتار	۳۰	امانتداری
۶۰	صدق در مشورت	۳۵	انصاف
۶۱	صدق در نیت	۳۶	تصدیق حق
۶۴	صدق در هدایت	۳۷	تصدیق گمان نیک دیگران
۶۵	صدقه (بخشش راستین)	۳۸	توحید
۶۸	صواب (راستی)	۳۸	حج بیت الله
۶۸	عدالت	۳۹	خیرخواهی
۷۱	گفتار حق	۴۴	راه اسلام

۱۲۴	خیانت	۷۱	محبت صادقانه
۱۲۸	دوستی های دروغین	۷۲	نیرنگ با نیزنگ بازان
۱۳۰	دوگانگی باطن و ظاهر	۷۳	نیکنامی
۱۳۳	دوگانگی زبان و دل	۷۴	وفای به عهد
۱۳۶	دوگانگی گفتار و عمل	۸۲	یقین
۱۴۳	ریا و سمعه	۸۳	یگانگی باطن و ظاهر
۱۴۴	سازشکاری	۸۶	یگانگی دل و زبان
۱۴۵	شبهه	۸۷	یگانگی کرد و گفتار
۱۴۸	شتاب در تصدیق شنیده ها		
۱۴۹	ضایع ساختن رابطه دوستی		
۱۴۹	عُجب (خودبینی)	۹۷	آرزوهای دروغین
۱۵۰	عوام فریبی	۹۸	آمیختن حق و باطل
۱۵۳	فریبندگی	۱۰۰	ادعای دروغین
۱۵۳	قآ بریزه کردن	۱۰۳	انحراف و اعراض از حق
۱۵۴	شتمان حق	۱۰۴	بهانه های دروغین
۱۵۷	کذب در سحر	۱۰۵	پیروی از بدعت ها
۱۵۷	کینه توزی	۱۰۶	پیمان شکنی
۱۵۸	گفتار حق با ننگ؛ ال	۱۱۷	پیوستن به باطل
۱۵۹	گفتار جاهلانه	۱۱۸	تحریف سخن
۱۵۹	گفتار دروغ	۱۱۹	تحریف قرآن
۱۶۰	گفتار دو پهلو	۱۲۰	تشبیه (تشبیه خداوند به بت ها)
۱۶۵	مداهنه (مسامحه)	۱۲۰	تظاهر به ایمان
۱۶۶	نفاق	۱۲۱	تظاهر به علم
۱۷۱	نیرنگ بازی	۱۲۱	تلون در دین
۱۷۳	وفاداری با نیزنگ بازان	۱۲۲	چاپلوسی و تملق
		۱۲۳	خدعه

مصالح بر صداقت

۲۰۰	جاه طلبی
۲۰۱	حسادت
۲۰۲	خودکامگی رهبران
۲۰۳	دوری از مقام ولایت
۲۰۳	دوری زمامداران از مردم
۲۰۴	سختی وفای به عهد
۲۰۵	شبهه
۲۰۵	غفلت
۲۰۶	فرار از حق و انکار آن
۲۰۷	فراموشی آخرت
۲۰۹	فریفتگی به دنیا
۲۰۹	کینه توزی
۲۱۰	نافرمانی خداوند
۲۱۱	هوارستی و دنیا دوستی

عوامل صدق

۱۷۹	ایمان
۱۸۰	بزرگداشت رسول خدا ﷺ
۱۸۱	بزرگداشت صدق
۱۸۱	بصیرت
۱۸۲	حواس
۱۸۳	تمسک به حق
۱۸۳	توجه به امور نهایی
۱۸۴	جوانمردی
۱۸۵	خدمت صادقانه به مردم
۱۸۵	خوف از خدا
۱۸۶	قبولی در آزمون حج
۱۸۶	معاد باوری

آثار صدق

۲۱۷	آسایش و امنیت
۲۱۸	اخلاص
۲۱۹	استواری ایمان و عمل
۲۱۹	اصلاح مفاسد
۲۲۰	اعتماد به الله
۲۲۰	افزایش روزی
۲۲۱	افزونی دوستان
۲۲۱	امانتداری
۲۲۲	امنیت از مرگ ناگوار
۲۲۳	بصیرت
۲۲۳	پذیرش حقانیت اهل بیت علیهم السلام

عوامل بی صداقتی

۱۹۳	بلاهای آخرالزمان
۱۹۴	بی غیرتی نسبت به احکام الهی
۱۹۴	بی باکی در دین
۱۹۵	بی تدبیری
۱۹۶	پیروی از سخن سخن چین
۱۹۷	تبعیت از نجوم احکامی
۱۹۸	ترس از راستگویی
۱۹۸	ترس از رسوایی جهل
۱۹۹	تسلط فرومایگان
۱۹۹	تعصب جاهلی
۲۰۰	تعصب خویشاوندی

۲۴۶	تغییر نعمت‌ها	۲۲۴	پیروزی
۲۴۶	جهالت	۲۲۵	تحسین امام علی (ع)
۲۴۷	حبط عمل	۲۲۵	تکفیر گناهان
۲۴۷	خسران	۲۲۶	جان از دست رفته‌ها
۲۴۸	خشم خدا و مردم	۲۲۷	حفظ ایمان
۲۴۸	خواری در دنیا و آخرت	۲۲۷	درمان دردها
۲۴۹	خود رأی	۲۲۸	رسالت بهشت
۲۵۰	دشمنی با امیرالمؤمنین (ع)	۲۲۹	رأی از دستان بزرگ درونی
۲۵۱	دنیازدگی و فراموشی آخرت	۲۲۹	رهائی و فقر
۲۵۱	دوری از ایمان (بی‌ایمانی)	۲۳۰	صبغه عبادت، یافتن کارها
۲۵۲	سراب اندیشی	۲۳۰	قطع شدن زبان دشمنان
۲۵۲	سلطه شیطان	۲۳۱	کرامت
۲۵۳	سلطه گمراهان	۲۳۱	مخالفت با هوای نفس
۲۵۳	تاب در کفر الهی		مقبولیت نزد خداوند
۲۵۴	شکست (پذیرش حکمت)	۲۳۳	نجات
۲۵۴	فریب و گمراهی	۲۳۴	وصول به رحمت و بهشت الهی
۲۵۵	فساد عام	۲۳۴	وفاداری
۲۵۶	کفر		
۲۵۶	کیفر الهی		آثاری صدقتی
۲۵۷	محاربه با امام (ع)	۲۴۱	اختلاف
۲۵۷	محروم شدن از حمایت الهی	۲۴۲	اخلال در دوستی
۲۵۸	محرومیت از وجود امام (ع)	۲۴۲	از دست دادن حیات انسانی
۲۵۹	نفرین امام (ع)	۲۴۳	اندوه بسیار
۲۶۰	تنگ و اتهم	۲۴۴	بازگشت به جاهلیت
۲۶۰	وارونگی ارزش‌ها	۲۴۵	پشیمانی
۲۶۲	هلاکت	۲۴۵	تحریف قرآن

مصادیق غیر صادقان

۳۰۷	آرزوهای دراز
۳۰۷	ابن عباس یا عبیدالله ابن عباس
۳۰۸	ابوموسی اشعری (عبدالله بن قیس)
۳۰۹	اصحاب جمل
۳۱۱	انس بن مالک
۳۱۲	اهل سقیفه
۳۱۲	خوارج
۳۱۳	دنیا
۳۲۱	راویان دروغگو
۳۲۱	زاهدان دروغین
۳۲۲	زبیر
۳۲۳	زمانه (روزگار)
۳۲۳	زین
۳۲۴	زین
۳۲۵	طلحه و زبیر
۳۲۷	عالم نمایان
۳۲۸	عمرو عاص
۳۲۹	لشکریان معاویه
۳۲۹	مردم کوفه
۳۳۲	مروان بن حکم
۳۳۲	مشکران
۳۳۳	معاویه
۳۳۸	منافقان
۳۳۹	منذر بن جارود
۳۴۰	هوای نفس

مصادیق صادقان

۲۶۹	امام علی (علیه السلام)
۲۸۰	انبیاء (علیهم السلام)
۲۸۱	اهل بیت (علیهم السلام)
۲۸۳	بازرسان حکومتی امیرمؤمنان (علیه السلام)
۲۸۳	رسایان
۲۸۴	پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)
۲۸۸	خداوند
۲۹۰	دنیا
۲۹۲	ذاکران (اهل الذکر)
۲۹۲	راویان ثقه
۲۹۲	شهیدان
۲۹۱	صحابی راستین پیامبر (صلی الله علیه و آله) (عمار)
	ابن التیهان - ذوالشهادتین
۲۹۴	عثمان ابن مظعون، یا ابوذر غفاری
۲۹۵	عمرو بن ابی سلمه مخزومی
۲۹۵	فرشتگان
۲۹۵	قرآن (دین)
۲۹۶	کرام الکاتبین (فرشتگان حافظ اعمال)
۲۹۷	مالک اشتر
۲۹۸	مأموران مالیاتی امیرمؤمنان (علیه السلام)
۲۹۹	محمد بن ابوبکر
۲۹۹	مردم کوفه
۳۰۰	مرگ
۳۰۱	مشاوران پارسا

تصدیق کنندگان و تصدیق شدگان

تصدیق کنندگان

۳۴۷	امیرمؤمنان علیه السلام
۳۴۸	پیامبر صلی الله علیه و آله
۳۴۹	حج گزاران (حجیان)
۳۴۹	«مؤمنان» (در خدای قاصعه)

تصدیق شدگان

۳۵۳	اسلام
۳۵۳	پیامبر صلی الله علیه و آله
۳۵۴	قرآن
	کتاب های آسمانی
۳۵۵	کلمه الله

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

«وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْ صِدْقِي وَأَجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا»^۱

و بگو پروردگارا مرا [در هر کاری] طرز درست داخل کن و به طرز درست خارج ساز و از جانب خود برای من تسلطی یاری بخش قرار ده.

«أَحْمَدُهُ اسْتِثْمَامًا لِنِعْمَتِهِ وَاسْتِسْلَامًا لِعِزَّتِهِ وَاسْتِغْصَامًا مِنْ مَعْصِيَتِهِ وَاسْتَعِينُهُ فَاقَةً إِلَى كِفَايَتِهِ إِنَّهُ لَا يَضِلُّ مَنْ هَدَاهُ وَلَا يَيْلُ مَنْ عَادَاهُ وَلَا يَفْتَقِرُ مَنْ عَادَاهُ فَإِنَّهُ أَخْخُ مَا أُوزِنَ وَأَفْضَلُ مَا خُزِنَ»^۲

خدای را سپاس می‌گویم تا باران نعمتش بیش از پیش فرو ریزد، و تسلیم در پیشگاه عزتش فزون گردد، و جانم از معصیتش بیمه شود، و از آستان قدسش مدد

۱. اسراء / ۸۰

۲. نهج البلاغه / خطبه ۱

خواهم تا «نیازم» را به مرز «بی نیازی» رساند؛ که او دست هرکس گیرد، راه گم نکند.
درود بی منتها بر مصطفای انبیا و اولیا علیهم السلام، که پرورده اصدق القائلین است
و امیر قافله صادقان، و دامان مبارکش مهد پرورش نفس گرمی او، حضرت
صدیق اکبر امیر مؤمنان علی علیه السلام است.

و برترین درودها بر فرزندان پاک سرشت او، که زمامداران حق و زبان های راستی اند؛
به ویژه برای حسن سفیر هدایت و مصداق محض صداقت، حضرت بقیة الله الاعظم
(از احضار شده)؛ بدان امید که روزی شمیم بیان علی علیه السلام را از کلام او ببوییم.

نهج البلاغه و جانبها

توصیفات رسا را درباره نهج البلاغه، باید از زبان عارفان و عالمان عاملی
جست که با این کتاب آشنایی داشته اند و آنرا مشتمع کلمات آن در زوایای وجود و
آثار وجودی آنان تاییده است.

سید رضی رحمته الله علیه جامع شریف نهج بلاغه که شیفته کلام مولا است، حیرتش
در جای جای تألیفش به چشم می خورد؛ در بیان برخی از شگفتی های کلام
حضرت می گوید:

وقتی امام علیه السلام در زهد و ترک دنیا سخن می گوید، اگر کسی نداند که
گوینده این سخن در جایگاه حکومت و فرمانروایی است و حکمش بر
همه احاطه دارد، تردید نمی کند که گوینده در غیر عالم است و ترک دنیا
کاری ندارد، و جز به خود و عزلت از خلق مشغول نیست، و هرگز این
نمی کند که سخن بزرگواری است که در میدان نبرد، شمشیر از آسمان
برآورده و دلیران را به خاک افکنده و خون از لبه شمشیرش می چکد.

آنگاه این ویژگی را به خصیصه «جمع اضداد» بودن امیر مؤمنان علیه السلام نسبت
داده و می گوید:

«وَهَذِهِ مِنْ فَضَائِلِهِ الْعَجِيبَةِ وَخَصَائِصِهِ الَّتِي جَمَعَ بِهَا بَيْنَ الْأَضْدَادِ وَالْفَرْقِ بَيْنَ الْأَشْأَاتِ»؛ و این از فضایل شگفت انگیز و ویژگی های لطیفی است که بدان جمع میان اضداد نموده و پراکنده ها را الفت بخشیده است.

سپس خود از این حقیقت رازگشایی می کند:
 «لِأَنَّ كَلَامَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، الْكَلَامُ الَّذِي عَلَيْهِ مَسْحَةٌ مِنَ الْعِلْمِ الْإِلَهِيِّ وَفِيهِ عِبَقَةٌ مِنَ الْكَلَامِ نَبَوِيِّ»؛ زیرا کلام او بهره ای از علم الهی دارد و در آن رایحه ای از کلام نبوی است.

یکی دیگر از رصیفات رسا در شأن جامعیت نهج البلاغه در پیام امام خمینی علیه السلام، سنگره^۱ نهج البلاغه می بینیم:

کتاب نهج بلاغه که نازل روح علی علیه السلام است، برای تعلیم و تربیت خفتن در ستر منت و در حجاب خود و خودخواهی، معجون است برای شما، و موهبی است برای دردهای فردی و اجتماعی، و مجموعه ای است دارای ابعادی به ابعاد یک انسان و یک جامعه انسانی از زمان صدور آن رسیده تا رسیدن به پیش برود و هرچه جامعه ها به وجود آیند و ملت ها محقق شوند، و هر قدر متفکران و فیلسوفان و محققان بیایند و در آن غور کنند، فرق شود.^۲

استاد شهید مرتضی مطهری نیز درباره گستره نامحدود رصیفات نهج البلاغه چنین می گوید:

سخن هر کس نماینده روح اوست و به همان دنیایی تعلق دارد که روح گوینده به آنجا تعلق دارد. روح علی علیه السلام محیط بر همه عوالم، کون جامع و انسان کامل است، از این رو سخنش نیز محدود به حدی نیست.^۳

۱. نهج البلاغه / مقدمه سید رضی علیه السلام

۲. پیام امام خمینی به کنگره هزاره نهج البلاغه / ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۰

۳. سیری در نهج البلاغه / مقدمه

جایگاه صدق در قرآن و روایات

صدقت و راستی از توصیه‌های اکید و ازارکان بنای اخلاق در اسلام است و همه انبیای پیشین نیز بدان اهتمام داشته‌اند؛ زیرا نظام هستی بر پایه صدق اسرار است. «الصِّدْقُ خَيْرٌ مِّنِّي»؛^۱ صدق بهترین مبناست.

تا شخصی به صفت صدق آراسته نگردد، از اوصاف شیطانی متمایز نخواهد شد؛ این صفت و صدقت، بهترین زاد راه مؤمن متقی، برای رسیدن به مقاصد انسانی، و شرط لازم در حیات اخلاقی برای نیل به سعادت ابدی است.

این صفت از آل «دست» ویژگی‌های اخلاقی است که آیات و روایات، آن را به برخی از انبیا و صالحان نسبت داده‌اند؛ از اینرو، قرآن کریم به پیغمبر اکرم ﷺ توصیه فرمود که از خدا بخواهد، ورود و خروج او را در هر کاری، با صداقت همراه سازد. «وَلَوْ أَنَّ رَّبِّي أَذْخَلَنِي مُدَّةً لَّ صِدْقٍ وَأَخْرِجَنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ»؛^۲ و بگو پروردگارا مرا [در هر کاری] داخل کن و به طرز درست خارج ساز.

با توجه به این آموزه قرآنی، درخواست مؤمنان از خدا برای هدایت شدن به راه صدیقان، برای امتثال فرمان الهی است، که فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»^۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! پروا پیمانه کنید و با صادقان باشید.

قرآن کریم راه رسیدن به «معیت با صادقان» را، اطاعت از خدا و رسول ﷺ بیان فرموده است:

«وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا»؛^۴ و کسی که از

۱. شرح غررالحکم / ج ۵ / ص ۲۵

۲. اسراء / ۸۰

۳. توبه / ۱۹

۴. نساء / ۶۹

خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگان؛ و آنان چه نیکو همدمانند.

همراهی با صادقان، جز با پیمودن راه و گام زدن در مسیر آنان محقق نمی شود و موفق انجام دادن این مهم و توان پرداختن به آن، جز با عنایت و هدایت خداوند بجنب سازبنده نواز به دست نمی آید. بدیهی است که این همراهی ها فقط در آخرت نیست؛ زیرا امام صادق (ع) صدقان نسبت به دیگران اشراف دارند و پیروان خود را رها نمی کنند؛ لذا در دنیا هم با آنان خواهند بود.

نردبان صراط مستقیم، به بالاترین قله های سعادت، و کلید اصلی دست یافتن مؤمن به گنج ایمان، صدق و راستی با همه گستره و دامنه اش و در همه ابعاد و مراتب آن است. و نشانه این ترقی، هماهنگی میان برون و درون انسان و مطابقت اندیشه و پندار، گفتار و کردار، نهان و عیان، اوست؛ که پیشوای صادق امین در این باره فرمود:

«مَنْ لَمْ يَخْتَلِفْ سِرَّهُ وَ عَلَانِيَتُهُ وَ بَغْلُهُ وَ مَقَالُهُ فَقَدْ آدَى الْأَمَانَةَ وَ أَخْلَصَ الْعِبَادَةَ». آن کس که نهان و آشکار، و کردار و گفتار، دو گونه نباشد، امانت الهی را ادا کرده و عبادت خدا را خالصانه انجام داده است.^۱

تردیدی نیست که صادقان مراتب گوناگونی دارند و هر کس به مقدار پایبندی خود به هریک از خصال کمالی، به مرتبه ای از مراتب آسود می شود؛ بنابراین هر کس پروا پیشه کند و سالک صراط مستقیم باشد، در زمره صادقان قرار می گیرد؛ لکن هیچکس در پروا پیشگی و سرب این صراط، به درجه پیشوایان معصوم علیهم السلام نمی رسد؛ از این رو مفهوم

۱. نهج البلاغه، نامه ۲۶

عام و گسترده «صادقان» برائمه اطهار علیهم السلام تطبیق شده است.^۱

قرآن، معیار ایمان در حیات مؤمنان را، تقوا و صداقت و صفای عملی آنان می داند.

«مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»^۲؛ در میان مؤمنان مردانی هستند که بر سر عهده‌ی که با خدا بستند، صادقانه ایستادند. بعضی پیمان خود

را، آخر بردند و بعضی در انتظارند و در پیمان خود تغییر ندادند.

اما همان معیار علیهم السلام نیز معیار آزمون ایمان مؤمنان را، نه زیادی نماز و روزه، بلکه میزان صداقت و امانت‌داری آنان دانسته‌اند؛ زیرا چه بسا انسان‌هایی آنچنان به نماز و روزه خویش‌گراوند که اگر مانع آنها شوند، دچار وحشت و نگرانی گردند:

«لَا تَغْتَشِرُوا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ، فَإِنَّ الرَّجُلَ رُبَّمَا هَجَرَ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ حَتَّىٰ لَوِ تَرَكْتَ سِتْرَ حَشٍّ، وَلَكِنْ اخْتَبَرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ»^۳؛ به نماز و روزه آن‌ها را اعتماد مکن؛ زیرا چه بسا انسان شیفته نماز و روزه می‌شود، به طوری که اگر ترک کند به هراس می‌افتد؛ بلکه آنان را به راستگویی و ادای امانت بیازمایید.

در روایات دیگر نیز از راستی به عنوان لباس دین^۴، جمال^۵ و ستون ایمان^۶، روح کلام^۷، برادر عدل^۸، مایه عزت^۹، بهترین گفتار^{۱۰} و عامل نجات^{۱۱} یاد شده است.

۱. ادب فنای مقربان / ج ۳ / ص ۲۹۵

۲. احزاب / ۲۳

۳. الکافی / ج ۲ / ص ۱۰۴

۴. الصدق لباس الدین (شرح غرر الحکم / ج ۱ / ص ۱۲۵)

۵. و الصدق جمال الانسان ودعامة الایمان (همان / ج ۲ / ص ۱۴۳)

۶. الصدق روح الکلام (همان / ج ۱ / ص ۱۰۴)

۷. الصدق اخو العدل (همان / ص ۶۸)

۸. الصدق عز (کافی / ج ۱ / ص ۲۶؛ بحار الانوار / ج ۷۵ / ص ۲۶۹)

۹. الصدق خیر القول (شرح غرر الحکم / ج ۱ / ص ۸۱)

۱۰. الصدق پنجیک (همان / ص ۲۹۰)

صدق در نهج البلاغه

در سیره مبارک امام علی علیه السلام، صدق پرچمی است بر بلندای مقام آدمیت. امام علیه السلام دامنه صدق را چنان گسترده می‌دانند که تمام وجوه مناسبات فردی و اجتماعی انسان را در بعد اعتقادات، اخلاقیات، اعمال، عبادات و... در برمی‌گیرد، و راه به سلامت رستن و طی طریق کردن و به مقصود رسیدن آدمی را، حاکمیت صداقت بر همه زوایای زندگی او می‌داند؛ که اگر این پایگاه و مبنا فروریزد، هستی انسان تباه می‌گردد.

پیش از این صادق علیه السلام و مولای متقیان، صداقت را ارجمندترین و والاترین صفت معرفی نموده و راستی را اساس هر نوع اصلاح فردی و اجتماعی دانسته‌اند:

«الْبِدْقُ صَلَاحُ كُلِّ شَيْءٍ»؛ راستی مایه صلاح هر چیز است.

در مقابل، کذب و دروغ، ریشه همه فسادها و سرچشمه همه تباهی‌ها دانسته‌اند:

«الْكُذْبُ فَسَادُ كُلِّ شَيْءٍ»؛ دروغ ویی موجب تباهی هر چیز است.

امیرمؤمنان علیه السلام راستی را در وجه بنی‌ساری، بقوت آن با اساس خلقت خالق، و در وجه حالی، هماهنگی درون با زبان معرفی فرموده‌اند.

«الْصِّدْقُ مُطَابَقَةُ الْمَنْطِقِ لِلْوَضْعِ الْإِلَهِيِّ»^۱؛ مطابقت گفتار با نهاد خلقت الهی است.

«أَصْدَقُ الْقَالِ مَا نَطَقَ بِهِ لِسَانُ الْحَالِ»^۲؛ راست‌ترین گفتار آن است که با زبان حال هماهنگ باشد.

از آنجا که امام علیه السلام «صدیق الاکبر» است؛ آنچه دیگران را بدان توصیه فرمود، پیش از دیگران خود بدان عمل می‌کرده؛ و آنچه را از آن پرهیز داده، پیش از دیگران

۱. غررالحکم ودرر الکلم، ج ۲، ص ۳۷۱

۲. همان

۳. شرح غررالحکم / ج ۱ / ص ۴۰۰

۴. همان / ج ۲ / ص ۴۶۳

خود از آن دوری نموده است؛ بنابراین، نه تنها بیانات امام علیه السلام، بلکه راه و رسم وی نیز همگان را به صدق فرا می خواند:

«أَيُّهَا النَّاسُ، إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتَسِبُ عَلَى طَاعَةِ إِلَّا وَاسْتِيقُكُمْ إِلَيْهَا، وَلَا أَنَهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا وَاتَّاهَى قَبْلُكُمْ عَنْهُ»؛^۱ ای مردم! من شما را به طاعتی تشویق نمی کنم، مگر آنکه خود پیش از شما بدان عمل کنم و از گناهی شما را نهی نمی کنم، مگر آنکه خود پیش از شما از آن خودداری نمایم.

و در نخستین سخنان خویش، پس از به دست گرفتن زمام حکومت فرمودند:
«نَحْنُ بِنَا أَقُولُ رَهِينَةً وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ... وَاللَّهِ مَا كُنْتُ وَشَمَةً وَلَا كَذَبْتُ...»؛^۲ «ما» آنجا که می گویم، از عهده آن برمی آیم و ضمانت آن را پذیرایم...
سوره به «الله» که هیچ نکته ای را پنهان ننموده، و هیچ دروغی از من صادر نشده است.

پیش از حکومت نیز، حتی پیش از آن که به خلفای غاصب، آنچه را برای آنان درست می دانسته، با صداقت تمام بیان می فرمودند؛ در حالی که در نقد خلاف کاری های آنان نیز صادق بوده اند.^۳

این حقیقت را در نور کلام نبی صلی الله علیه و آله مشاهده می کنیم که به ائمه علیهم السلام فرمودند:
«يَا عَلِيُّ! أَنْتَ قَارُوقُ الْأَعْظَمِ وَالصِّدِّيقُ الْأَكْبَرُ»؛^۴ ای علی! تو بزرگترین فارق میان حق و باطل و بالاترین صدیق هستی.

۱. نهج البلاغه / خطبه ۱۷۵

۲. نهج البلاغه / خطبه ۱۶

۳. نهج البلاغه / نامه های ۱۰ و ۵۶

۴. بحار الانوار / ج ۳۸ / ص ۱۱۱

فرهنگنامه صدق در نهج البلاغه

فرهنگنامه حاضر، محصول دوسال مطالعه دقیق نهج البلاغه، با نگاه تحلیلی در موضوع صدق، و چارچوب اصلی آن برآمده از متن کلام امام علی (علیه السلام) پیرامون صدق است؛ به این ترتیب که با توجه به معنای هر جمله مرتبط با صدق در نهج بلاغه، عناوینی برای آن استخراج شده که بیانگر زوایای گوناگون این موضوع در بیان امام علی (علیه السلام) است؛ سپس با توجه به عناوین مورد نظر، هر جمله پس از مباحثات گروهی، چندین بار بازخوانی، مقابله و اصلاح گردیده و در ۹ مدخل دسته بندی شده است؛ هر مدخل نیز، دارای چندین زیرمجموعه مرتبط است؛ که پس از تنظیم الفبایی عناوین زیرمجموعه هر مدخل، ذیل هر عنوان (به نحو ترتیبی) شاهد یا شواهد مشارک آن از نهج البلاغه آمده است.

مدخل ها عبارتند از:

- مصداق صدق
- عوامل صدق
- آثار صدق
- صادقان
- تصدیق کنندگان و تصدیق شدگان
- مصداق بر صداقتی
- عوامل صداقتی
- آثار بر صداقتی
- غیر صادقان

با توجه به اینکه نهج البلاغه گزیده کلمات آن حضرت است، ما نیز بنا به ضرورت، بخشی از کلام را برگزیده ایم، بدیهی است برای رتبه صحیح و ترو دقیق تر هر مفهوم، توجه به خانواده جملات و استنباط مجموعی از آنها ضروری است؛ از این رو برای رسیدن به این هدف، و نیز برای مستند سازی یافته ها، ما همچنین برای اطمینان کاربران محترم، شرح هر جمله را از منظر صدق، از یک یا چند منبع معتبر (شرح های نهج البلاغه)، ذیل هر جمله آورده ایم؛ تا شاهدی صادق بردریافتمان باشد.

ضروری است به حکم حکیمانه «من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق» از محققان مخلصی چون سرکارخانم‌ها: احتسابی، رضاییان، فرضی، مکاریان، ... که در به ثمر رسیدن این اثر تلاش فراوان کرده‌اند، و نیز از حمایت‌ها و همکاری‌های بی‌نائبه مدیریت محترم و پژوهش مدرسه علمیه حضرت خدیجه علیها السلام سپاسگزاری کنیم و برای آنان از حضرت مَنان توفیقات روز افزون در بهره‌مندی از نهج البلاغه در سایه سار الطاف امیرمؤمنان علیه السلام طلب نماییم. سعیشان مشکور و عمن ارادتهن ممهور به قبول؛ انشاء الله.

ایک بار بار به قصور و تقصیر بسیار، به این حقیقت معترفیم که علیرغم دقت و وسواس علمی، یافتن عناوین و شاهد مثال‌ها، حتماً موارد بسیاری نیز وجود دارد که در سمان برین‌ترو افهام عمیق‌تری را می‌طلبند، و چشم و فهم ما بدان نرسیده است ولی امید داریم این تلاش ناچیز که گواه ارادت ماست، به آستان بلند صاحب نهج البلاغه مقبول افتد؛ در این حال، روزنه‌ای خواهد بود به کوهسار دست نیافتنی علوم علوی علیه السلام و چشمه سار نهج البلاغه؛ چشمه‌ای که قطره‌ای از معارف آن، عطش جگرهای بی‌تاب بسیاری را فرو خواهد نشاند.

حافظ اگر قدم نهی در ره خاندان به سار

بدرقه رهت شود همت شحناً نهی

«وَأَخِرُ دَعْوَانَا أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»